

## خارج اصول فقه استاد مروجی دام ظلّه روز دوشنبه سوم دی ۸۶

امر دومی که در ذیل این مبحث دلالت صیغه امر بر وجوب و ندب داشتیم راجع به جملات خبریه ای است که در مقام انشاء استعمال می شوند اصل این که این طور جملاتی داریم چه در شرع مقدس اسلام و چه در محاورات عرفیه شکی نیست حالا ما تیمناً و تبرکاً چند تا از آیات ، و تعدادی از روایات از ابواب مختلف یادداشت کردیم که به خوانیم که ان شاء الله، خواندن این روایات جریمه بعضی گناهان شود که در این موارد جمله خبریه است و در مقام انشاء و طلب است ، واقعاً مقصود حکایت نیست ، جمله خبریه حکایت می کند یا حکایت از وقوع در زمان گذشته یا این که در زمان آینده واقع می شد ولی این جملات واقعاً در این مقام نیستند که بخواهند خبر بدهند حکایت از مایقع بخواهند بدهند ، این موارد زیاد است آیه شریفه

وَالْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۲۸)

زنان مطلقه، باید به مدت سه مرتبه عادت ماهانه دیدن (و پاک شدن) انتظار بکشند! [ عده نگه دارند] و اگر به خدا و روز رستاخیز، ایمان دارند، برای آنها حلال نیست که آنچه را خدا در رحمهایشان آفریده، کتمان کنند. و همسرانشان، برای بازگرداندن آنها (و از سرگرفتن زندگی زناشویی) در این مدت، (از دیگران) سزاوارترند؛ در صورتی که (براستی) خواهان اصلاح باشند. و برای آنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده؛ و مردان بر آنان برتری دارند؛ و خداوند توانا و حکیم است. سوره بقره

زنهایی که طلاق داده می شوند باید سه قرء عده نگه دارند ، این یتربص یعنی فلیتربصن یعنی باید ، باید

این‌ها تربص کنند و انتظار بکشند تا سه قرء بعد شوهر کنند بعد عده تمام می‌شود مورد دیگر سوره بقره

وَالَّذِينَ يَتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۲۳۴)

و کسانی که از شما می‌میرند و همسرانی باقی می‌گذارند، باید چهار ماه و ده روز، انتظار بکشند (و عده نگه دارند)! و هنگامی که به آخر مدتشان رسیدند، گناهی بر شما نیست که هر چه می‌خواهند، در باره خودشان به طور شایسته انجام دهند (و با مرد دلخواه خود، ازدواج کنند). و خدا به آنچه عمل می‌کنید، آگاه است.

این عده وفات است آن قبلی عده طلاق بود، این جا شوهر فوت می‌کند ۴ ماه و ده روز عده نگه دارد فرق ندارد که پیرزن و جوان و بچه دار باشد یا نه فرقی ندارد باید عده نگه دارد، آنهایی که از شما مردها فوت می‌کنند و زن‌هایی باقی می‌ماند، یتربصن زن‌ها، باید تربص کنند در واقع منظور امر است چون دو آیه به هم مربوط بودند دنبال هم ذکر کردیم

آیه سوم و قوله تعالی

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنِيمَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعُهَا لَا يُضَارُّ وَالِدَةُ بَوْلِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲۳۳)

مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می‌دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده [پدر]، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن بپردازد؛ حتی اگر طلاق گرفته باشد). هیچ کس

موظّف به بیش از مقدار توانایی خود نیست! نه مادر(به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر. و بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد[هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی تأمین نماید]. و اگر آن دو، با رضایت یکدیگر و مشورت، بخواهند کودک را(زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست. و اگر(با عدم توانایی، یا عدم موافقت مادر) خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست؛ به شرط اینکه حق گذشته مادر را به طور شایسته بپردازید. و از(مخالفت فرمان) خدا پرهیزید! و بدانید خدا، به آنچه انجام می‌دهید، بیناست!

مقصود از جمله امر و طلب و بعث است کاری نداریم بعث آن وجوبی یا ندبی است فعلاً بحث ما وجوب و ندب نیست اگر می‌خواهند شیر کامل بدهند باید دو سال شیر بدهند حالا یک مستحب یا واجب در مقام امر و طلب است سوره بقره

مورد دیگر وَ إِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۸۰) و اگر(بدهکار)، قدرت پرداخت نداشته باشد، او را تا هنگام توانایی، مهلت دهید! (و در صورتی که برآستی قدرت پرداخت را ندارد)، برای خدا به او ببخشید بهتر است؛ اگر(منافع این کار را) بدانید!

آنها جمله فعلیه بودند این جمله اسمیه است، فرق این با آنها در این است، یعنی اگر مدیون، صاحب عسر بود یعنی تمکن ندارد نمی‌تواند دین را اداء کند این طلبکار باید انتظار بکشد تا وقتی ان شاء الله خدا تمکن بدهد، نباید فشار بیاورد، نباید مجبورش کند مایحتاجش را بفروشد خانه اش را بفروشد چیزهایی که جزو لوازم زندگی است بفروشد نه باید صبر کند، فنضرة الى ميسره جمله خبریه است ولی دز مقام انشاء است باید صبر کند و انتظار بکشد سوره بقره و اما روایات که الى ماشاء الله

۴۱- بَابُ وَجُوبِ إِیْصَالِ الْمَاءِ إِلَى مَا تَحْتَ الْحَاتِمِ وَ الدُّمْلُجِ وَ نَحْوِهِمَا فِي الْوُضُوءِ

۱۲۴۰- مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ الْعَمْرِکَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِیهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ الْمَرْأَةِ عَلَیْهَا السَّوَارُ وَ الدُّمْلُجُ فِی بَعْضِ ذِرَاعِهَا لَا تَدْرِی یَجْرِی الْمَاءُ تَحْتَهُ أَمْ لَا

كَيْفَ تَصْنَعُ إِذَا تَوَضَّأْتَ أَوْ اغْتَسَلْتَ قَالَ تُحَرِّكُهُ حَتَّى يَدْخُلَ الْمَاءُ تَحْتَهُ أَوْ تَنْزِعُهُ وَ عَنِ الْحَاثِمِ الضَّيِّقِ لَا يَدْرِي هَلْ يَجْرِي الْمَاءُ إِذَا تَوَضَّأَ أَمْ لَا كَيْفَ يَصْنَعُ قَالَ إِنْ عَلِمَ أَنَّ الْمَاءَ لَا يَدْخُلُهُ فَلْيُخْرِجْهُ إِذَا تَوَضَّأَ

وسائل الشیعة ج : ۱ ص : ۴۶۸

فمنها صحیح علی بن جعفر همین علی بن جعفر خودمان « مدفون در گلزار شهدای قم » حالا اگر این همان باشد البته بعضی می گویند این ، آن علی بن جعفر معروف نیست آن که از راویان معروف بوده و صاحب کتاب است و روایت زیاد دارد ، و برادر امام کاظم علیه السلام است می گویند این آن نیست این علی بن جعفر دیگری است البته این هم امام زاده است ولی آن نیست ولی بعضی می گویند این همان است حالا کاری به این نداریم ، این علی بن جعفر معروف که برادر امام موسی کاظم علیه السلام است و شاگرد امام کاظم علیه السلام و از امامزاده های جلیل القدر است صحیح علی بن جعفر این علی بن جعفر معروف پسر امام صادق علیه السلام اصلا یک رساله ای دارد که در آن سوالات متعدد از ابواب فقه از امام موسی کاظم ع کرده و حضرت جواب داده که می گویند رسائل علی بن جعفر که این ها را مرحوم مجلسی در بحار همه را یکجا جمع کرده ولی متفرق هم دارد به مناسبت مختلف آن جایی که مربوط به وضو بوده در وضو دارد آن جایی که مربوط به نکاح بوده در نکاح دارد ، معاملات هم در معاملات دارد ولی یک جا هم دارد در جلد دهم بحار ظاهراً باشد

سوار یعنی النگو ، دملج آن هم به معنی النگو و بازوبند می آید چیز زینتی است ، یا بازو بند یا دست بند یا النگو چیز اعمی است در اشعار در مورد حضرت زهرا سلام الله علیها هم دارد که مثل الدملجی یعنی در اثر ضربه ای که وارد شده بازو مثل دملج درآمده بود ، در بعضی از ذراع بازوهایش این ها هستند نمی داند این زن آب زیر می رسد برای وضو و غسل چکار کند ، آدم هایی که عالم اند سوالات عالمانه است ، خود این سوال معلوم است برای آدم واردی است فرمود یا باید حرکت بدهد جابجا شود آن را که آب زیرش برسد یا در موقع وضو و غسل در بیاورد باید بداند که آب به زیرش

رسیده شاهد سر جمله آخر است تحرکه نفمود فلتتحركه ، باید حرکت بدهد این را زن ، جمله خبریه فعلیه در مقام طلب ، قطعاً منظور طلب است ج ۱ وسائل ۳۰ جلدی ص ۴۶۷ ابواب الوضو باب ۴۱ ح ۱ از هر کدام یک روایت یادداشت کردیم

روایات انتخاب کردیم اولاً همه صحیحه هستند و مفتی به هستند همه از مسلمات فقه است ، شبه دار انتخاب نکردیم

و منها صحیح محمد بن مسلم ،

۲۰۸۰- مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدٍ يَعْنِي ابْنَ مُسْلِمٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ يَخْرُجُ مِنْ إِحْلِيلِهِ بَعْدَ مَا اغْتَسَلَ شَيْءٌ قَالَ يَغْتَسِلُ وَيُعِيدُ الصَّلَاةَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ بَالَ قَبْلَ أَنْ يَغْتَسِلَ فَإِنَّهُ لَا يُعِيدُ غُسْلَهُ

این ها در سندروایت همه افرادی هستند که بحثی در مورد آنها نیست ، ثقه که وثاقتشان را همه قبول دارند ثقه مسلم ، این رفته غسل کرده بعد یک قطره ای خارج شد حالا جکار کنم ؟ قطره مشتبه ای است منی است دوباره غسل کند ، بول است فقط جایش را تطهیر کند

بول کرده بعد جماع و استبرا کرده باشد هیچی نه بول است نه منی آزاد ، ولی اگر هیچ کدام انجام نداد منی است ، فهمید وضو ندارد نه شک کند فهمید غسل باطل بوده باید دوباره غسل کند و نماز را اعاده کند ، الا ان يكون قد بال قيل ان يغتسل مگر بول کرده باشد بعد جماع قرینه می شود منی نیست ، می شورد و تمیز می کند پاکسازی می کند قطره ای آمد منی نیست فانه لايعيد غسله، غسل بر او واجب نیست ، اگر استبراء نکرده باشد محکوم است که بول است يغتسل و يعيد جمله خبریه در مقام طلب ،

ج ۲ ص ۲۵۱ وسایل ۳۰ جلدی ابواب الجنابة باب ۳۶ ح ۶

و منها قوله

۴۲۱۹- وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ رَجُلٍ صَلَّى فِي ثَوْبٍ

رَجُلٌ أَيَّامًا ثُمَّ إِنَّ صَاحِبَ الثَّوْبِ أَخْبَرَهُ أَنَّهُ لَا يُصَلِّي فِيهِ قَالَ لَا يُعِيدُ شَيْئًا مِنْ صَلَاتِهِ  
وَرَوَاهُ الْكَلْبِيُّ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ  
وَالَّذِي قَبْلَهُ بِهَذَا السَّنَدِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ  
ع وَرَوَاهُ أَيْضًا بِهَذَا السَّنَدِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مِثْلَهُ  
وسائل الشيعة ج : ۳ ص : ۴۷۶

راجع به طهارت خبثی است نمی دانست نماز درست است صاحب لباس گفت من در این لباس نماز نمی  
خوانم قال لا یعید شیء من صلاة یعنی لایحسب الاعاده نمازهایی که خوانده درست است از این به بعد  
باید - ج ۳ ص ۴۷۵ ابواب النجاسة باب ۴۰ ح ۶  
و منها

۴۲۳۲- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ  
الرَّجُلِ يَرِي بِثَوْبِهِ الدَّمَ  
فَيَنْسِي أَنْ يَغْسِلَهُ حَتَّى يُصَلِّيَ قَالَ يُعِيدُ صَلَاتَهُ كَيْ يَهْتَمَّ بِالشَّيْءِ إِذَا كَانَ فِي ثَوْبِهِ عُقُوبَةٌ لِنَسْيَانِهِ قُلْتُ فَكَيْفَ  
يَصْنَعُ مَنْ لَمْ يَعْلَمْ أَوْ يُعِيدُ حِينَ يَرْفَعُهُ قَالَ لَا وَلَكِنْ يَسْتَأْنِفُ  
وسائل الشيعة ج : ۳ ص : ۴۸۱

و منها موثق سماعه او صحیح ج ۳ ص ۴۸۰ ابواب النجاسات باب ۴۲ ح ۵ در خود سماعه اختلاف  
است واقفی بوده یا امامی معمولاً موثق می گویند ولی به این نتیجه رسیدیم بعید است واقفی باشد موثق  
یا صحیح منتهی قبلش عثمان بن عیسی که واقفی بوده قطعاً ، بعد از نماز خبر داد ولی این یادش رفت  
باید اعاده کند ، ولی چنانچه اصلاً نمی دانسته همه را باید اعاده کند روایت قبلی ، خون معفو هم نیست  
یادش می رود آب بکشد جائی که اصلاً نمی دانسته گناهی نکرده ولی این جا - باید آب بکشد مسامحه  
کرده ، - بعضی - موقع وضو آب این جا سوال می کند - نگوید بعد آب می کشم، تا اهمیت بدهد ،

بنده خودم دستی به جائی می خورد جای وضو چسب می زخم اگر آن لحظه فرصت نیست چسب می زخم که مشخص ، چسب های نواری سفید باند پیچی ، ج ۳ ص ۴۸۰ ابواب النجاسات باب ۴۲ ح ۵

وسائل الشیعة ج : ۸ ص : ۲۰۶

۴- بابُ وَجُوبِ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ عَلَيَّ مَنْ تَكَلَّمَ نَاسِيًا فِي الصَّلَاةِ أَوْ مَعَ ظَنِّ الْفَرَاغِ  
۱۰۴۳۵- مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ  
الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعًا عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ  
الرَّجُلِ يَتَكَلَّمُ نَاسِيًا فِي الصَّلَاةِ يَقُولُ أَقِيمُوا صُفُوفَكُمْ فَقَالَ يَتِمُّ صَلَاتُهُ ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَتَيْنِ الْحَدِيثُ  
مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ مِثْلَهُ

و منها صحیح عبد الرحمن بن حجاج ج ۸ ص ۲۰۶ ابواب الخلل الواقع الصلاة باب ۴ ح ۱ از صحیح  
های خیلی مهم است، محمد بن یعقوب با دو طریق معتبر نقل می کند در نماز کلام آدمی سهواً بگوید  
سجده سهو بگوید نماز باطل نمی شود دعا که اشکال ندارد اگر قرآن بخواند مستحب است ، اگر کلام  
آدمی گفت باید سجده سهو بجا آورد ، اجتم صفوفکم نظم خداوند جهان را بر اساس نظم آورده ما باید  
بهترین منظم باشد که با خلقتمان جور باشد حرف آدمی است ، یادش رفت در نماز این را گفت یتیم  
الصلاة و سجدی نمازش درست است دو سجده سهو بجا آورد باید دو سجده سهو یکی از مواردی که  
واجب است قدر متیقن است این جاست ثم یسجد سجدتین الی غیر ذالک مما هو کثیر عرف و محاورات  
عرفی هم زیاد است ، حالا کدام در دو امر است استعمال - با کنایه - اگر مجاز است مه است یا سکاکی  
بروجردی و امام است یا اصلاً کنایه است آخوند می گوید - دال بر وجوب هست یا نه که این محل  
بحث است

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدٍ يَعْنِي ابْنَ مُسْلِمٍ قَالَ  
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ يَخْرُجُ مِنْ إِحْلِيلِهِ بَعْدَ مَا اغْتَسَلَ شَيْءٌ قَالَ يَغْتَسِلُ وَيُعِيدُ الصَّلَاةَ إِلَّا أَنْ

يَكُونُ بَالٌ قَبْلَ أَنْ يَغْتَسِلَ فَإِنَّهُ لَا يُعِيدُ غُسْلَهُ

یا اصلاً هیچ کدام از این ها نیست ؟ پاک است ؟ معنی احلیل : مایستقیح ذکره من الرجل، چیزی خارج می شود ، مساله اش را می دانید که اگر همچین حادثه ای پیش بیاید ، اگر این بول کرده باشد بعد از جماع و استبراء هم کرده باشد و بعد برود غسل کند و همچین حادثه ای پیش بیاید ، هیچی محکوم به این است که نه بول است نه منی آزاد ، ولی اگر هیچ کدام را انجام نداده باشد محکوم است که منی است ، باید دوباره غسل کند ، امام فرمود باید غسل کند و دوباره نمازش به بخواند، اگر نمازی هم خوانده باید دوباره بخواند ، چون در طهارت حدیثی ، سهوش و جهلش همه مضر است ، یعنی اگر انسان نماز بی وضو خواند ، در جایی که جنب است نماز بی غسل خواند ولو منی دانسته نمازش باطل است این غیر از طهارت خبثی است در طهارت خبثی اگر چنانچه انسان منی دانست لباس نجس است با لباس نجس نماز خواند و بعد فهمید نمازی که خوانده درست است ، ولی در حدیثی این جور نیست ، اگر نماز خواند به خیال این که وضو دارد ، بعد فهمید که ندارد ، نه این که شک کند ، یقین پیدا کرد وضو ندارد نمازی که خوانده باطل است یا فهمید غسل ندارد یا غسلش باطل بوده ، باید دوباره غسل کند و نمازش را اعاده کند ، الا ان یكون قد بال قبل ان یغتسل مگر قبل از این که غسل کرده باشد بول کرده باشد بعد جماع، که اگر بول کرده باشد ، خود آن قرینه می شود که باقی مانده منی نیست ، آن وقت دوران می شود بین بول و بین وذی و مذی ، آن دیگر فوقش وضو می خواهد ، می فرماید اگر بول کرده باشد قبل از غسل ، در روایت هم ظاهراً دارد بول می شورد و تمیز می کند مسیر را پاکسازی می کند دیگر منی منی ماند پس اگر یک قطره ای آمد منی نیست فانه لا یعید غسله، دیگر غسل بر او واجب نیست ، حالا بول است یا وذی و مذی بحث دیگری است ، اگر استبراء کرده بول نیست ولی اگر استبراء نکرده باشد محکوم است که بول است آن را دیگر حضرت توضیح نداده شاهد سر این است که یغتسل و یعید الصلاة ، جمله خبریه اما در مقام طلب باید غسل کند با ید نمازش را دوباره بخواند ، ج ۲ ص ۲۵۱



### وسائل ۳۰ جلدی ابواب الجنابة باب ۳۶ ح ۶

و منها قوله

۴۲۱۹- وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعِصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ صَلَّى فِي ثَوْبٍ رَجُلٍ أَيَّامًا ثُمَّ إِنَّ صَاحِبَ الثَّوْبِ أَخْبَرَهُ أَنَّهُ لَا يُصَلِّي فِيهِ قَالَ لَا يُعِيدُ شَيْئًا مِنْ صَلَاتِهِ وَ رَوَاهُ الْكَلْبِيُّ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ وَ الَّذِي قَبْلَهُ بِهَذَا السَّنَدِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ رَوَاهُ أَيْضًا بِهَذَا السَّنَدِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مِثْلَهُ

وسائل الشيعة ج : ۳ ص : ۴۷۶

صحيح عيص بن قاسم ، اين راجع به طهارت خبثی است كه اگر انسان نمی دانست و با اين لباس نجس نماز خواند ، نمازش درست است، سابقاً هم زياد به هم لباس عاريه می دادند ، لباس زياد نداشتند ، لباس كثيف می شده يا پاره می شده تا اصلاحش كند طول می كشیده لذا از كس ديگری لباس را عاريه می گرفته ،چند روز در لباس کسی نماز خواند ، بعد صاحب لباس گفت من در اين لباس نماز نمی خوانم يعنی نجس است ،يعنی لباسی بوده كه در آن نماز نمی خوانم ، حالا شايد هم وسواسی بوده چون وسواسی بوده در آن نماز نمی خوانده ، ولی از خبر معلوم می شود واقعاً نجس بوده است ، قال لا يعيد شيء فرمود نمازی كه خوانده درست است ، يعنی لايجب الاعاده در مقام انشاء است ،نه اين كه خبر می دهد اين شخص اعاده نمی كند ، در مقام انشاء است نمازهایی كه خوانده درست است از اين به بعد بايد لباس پاک به پوشد - ج ۳ ص ۴۷۵ ابواب النجاسة باب ۴۰ ح ۶

و منها

۴۲۳۲- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ الرَّجُلِ يَرِي بِثَوْبِهِ الدَّمَ

فَيَنْسِي أَنْ يَغْسِلَهُ حَتَّى يُصَلِّيَ قَالَ يُعِيدُ صَلَاتَهُ كَيْ يَهْتَمَّ بِالشَّيْءِ إِذَا كَانَ فِي ثَوْبِهِ عُقُوبَةٌ لِنَسْيَانِهِ قُلْتُ فَكَيْفَ يَصْنَعُ مَنْ لَمْ يَعْلَمْ أَوْ يُعِيدُ حِينَ يَرْفَعُهُ قَالَ لَا وَلَكِنْ يَسْتَأْنِفُ

وسائل الشيعة ج : ۳ ص : ۴۸۱

و منها موثق سماعه ج ۳ ص ۴۸۰ ابواب النجاسات باب ۴۲ ح ۵ در خود سماعه اختلاف است واقفی بوده یا امامی معروف این است که واقفی بوده است لذا معمولاً در السنه فقها موثق سماعه می گویند ولی ما در تحقیقی که کردیم به این نتیجه رسیدیم بعید است ایشان واقفی باشد ، شیعی دوازده امامی بوده واقعاً لذا برای ما به شدت محل تردید است ایشان واقفی باشد ، لذا می گوئیم موثق یا صحیح منتهی این جا یک اشکال دیگری دارد قبلش عثمان بن عیسی که واقفی بوده قطعاً ، از جهت آن می شود موثق ، روایت قبلی برای این بود که غمی دانست نجس است ، بعد از نماز به او خبر داد که نجس است ولی این جا برای خودش بوده و می دانسته نجس است ولی یادش رفت آب بکشد و با آن نماز خواند باید اعاده کند ، اگر نجاس منسی باشد نماز باطل است یعنی با لباس یا بدنی که نجس بوده و انسان یادش رفته آب بکشد میدانسته یادش رفته این باید اعاده کند ولی چنانچه اصلاً غمی دانسته جاهل بوده بعد متوجه شد هر چه نماز خوانده درست است ، این مفتی به است و فتوای مشهور هم همین است ، روایت هم در هر دو جهت داریم ، روایت قبلی جهل بود که فرمود درست است نماز ، این برای نسیان است ، این در لباسش خون است ، لابد خونی هم هست که معفو هم نیست ، یادش می رود آب بکشد با آن نماز می خواند می فرماید باید نماز را اعاده کند ، این رمزی هم دارد که روایت هم فرموده جائی که اصلاً غمی دانسته گناهی نکرده و درست است ، ولی این جا که میداند خوب باید آب بکشد ، مسامحه کرده ، این اگر مسامحه نکند همان موقع که متوجه شده باید آب بکشد بعضی مواقع انسان می گوید موقع وضو آب می کشم بعد فراموش می کند ، حالا اگر در مواضع وضو باشد مشکلاتی هم ایجاد می کند ، فراموش می کند قسمتی یا کل مواضع وضو هم نجس می شود ، حالا این جا سوال می کند ،

قال يعيد الصلاة اين بايد نمازش را اعاده بکند ، که دفعه بعد اهميت بدهد زود آبش بکشد ، نگويد بعد موقع نماز آب می کشم، نماز را بايد اعاده کند تا اهميت بدهد چون فراموشي انسان دست خودش نيست تا دفعه بعد يادش باشد ، تطهير کند لباس را که بعد به مشکل برخورد نکند ، يا يادداشت کند ، یک علامتی بگذارد نشانه ای ، خود فراموشي غير اختياری است بنده خودم دستم به جائی می خورد که جای وضو است یک چسب می زنم رويش که اين علامتی که وقتی وضو می گیرم است يا نجس شده بالاخره بعد چسب برمی دارم آب می کشم، اگر آن لحظه فرصت نيست چسب می زنم که مشخص باشد ، چسب های نواری سفيد باند پيچی ، ج ۳ ص ۴۸۰ ابواب النجاسات باب ۴۲ ح ۵

و منها وسائل الشيعة ج : ۸ ص : ۲۰۶

۴- بَابُ وَجُوبِ سَجْدَتِي السَّهْوِ عَلَيَّ مَنْ تَكَلَّمَ نَاسِيًا فِي الصَّلَاةِ أَوْ مَعَ ظَنِّ الْفَرَاغِ

۱۰۴۳۵- مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ يَتَكَلَّمُ نَاسِيًا فِي الصَّلَاةِ يَقُولُ أَقِيمُوا صُفُوفَكُمْ فَقَالَ يُتِمُّ صَلَاتَهُ ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَتَيْنِ الْحَدِيثَ مُحَمَّدٌ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ مِثْلَهُ

و منها صحيح عبد الرحمن بن حجاج ج ۸ ص ۲۰۶ ابواب الخلل الواقع في الصلاة باب ۴ ح ۱ از صحيح های خیلی مهم است، محمد بن يعقوب با دو طريق و دو سند مختلفو جداگانه که هر دو طريق هم معتبر است نقل می کند از صفوان ، و صفوان هم نقل می کند از عبد الرحمن بن حجاج، شيخ هم از كليني نقل کرده، کسی در نماز يادش رفت حرف می زند چون میدانيد در نماز اگر کسی حرف بزند اگر عمداً به گوید که نماز باطل است ولی اگر کلام آدمی را سهواً بگويد سجده سهو دارد ، نماز باطل نمی شود اين فرض اين است که سهواً حرف زده ، حرفی که خارج از دعا ، چون در نماز که دعا يا قرآن بخواند ضرر نمی زند و اشکال ندارد اگر قرآن عمداً و اضافی هم سهوی يا عمدی بخواند مستحب است يا ذکر

بگویند ، ولی اگر کلام آدمی گفت باید سجده سهو بجا آورد ، به امام عرض می‌کند ، اقیموا صفوفکم بعضی هستند که آدمهای منظمی هستند حالا خودشان منظم هستند هیچ دوست دارند بقیه هم منظم باشند صف‌ها گاهی یکی آنور تراست یکی این ور تر است مستحب است صفهای جماعت منظم باشد ، نظم ، خداوند جهان را بر اساس نظم آورده بهترین منظم خود خداست و ما باید بهترین منظم باشیم که با خلقتمان جور باشد ، این در نماز بوده و فراموش می‌کند در نماز می‌گویند اقیموا صفوفکم ، صفهایتان را درست کنید ، صف‌هایتان را منظم کنید ، این حرف آدمی است ذکر که نیست ، یادش رفت در نماز این را گفت اقیموا صفوفکم ، حالا چکار کند؟ یتِم الصلاة و ثم یسجد سجدتین ، فرمود نمازش درست است نماز کامل بخواند ، بعد دو سجده سهو بجا آورد شاهد سر این است که یتِم الصلاة یعنی باید نماز را تمام کند ، چون نماز درست است شکستنش حرام است باید ادامه دهد و باید دو سجده سهو بجا آورد ، یکی از مواردی که سجده سهو واجب است شاید قدر متیقّن جایی که باید سجده سهو بجا آورد این جاست ، کلام بی‌جا ، ثم یسجد سجدتین الی غیر ذالک ما از هر بابی حدیثی نقل کردیم ، مما هو کثیر و بعد در عرف و محاورات عرفی هم اهل عرف و عقلاً هم زیاد است ، جملات خبریه در مقام انشاء استعمال می‌کنند ؟ حالا کلام در دو امر است استعمال حقیقت است مجاز است یا کنایه است ، اگر مجاز است چه نوع مجازی است ؟ مجاز مشهوری است یا مجاز سکاهی و بروجردی و امام ره که اخیراً قائل زیاد پیدا کرده است یا اصلاً کنایه است که آخوند می‌گویند و این جملات مثل خود صیغه امر دال بر وجوب هست یا نه بر استحباب دلالت می‌کنند یا نه ؟ که این محل بحث است

تالار انجمن‌های گفتگوی تخصصی دروس حوزه‌های علمیّه

<http://zokr.com>

Copyright © Zokr.Com

تمام حقوق محفوظ است، نقل تمام یا بخشی از مطالب حتا با ذکر نام منبع، ممنوع و محدود است